

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد در تجربه زیسته کارگزاران توسعه ایران (۱۳۵۷-۱۳۴۰ش)

شهروز شریعتی*؛ عادل فاریابی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴)

چکیده

مروری بر تاریخ طرح‌های توسعه ایران در دوره سلطنت محمد رضا پهلوی بیانگر این نکته است که فرایند سیاستگذاری توسعه در ایران دچار آشفتگی‌های فراوانی بوده است و حتی به نظر می‌رسد کنشگران و کارگزاران توسعه اقتصادی ایران به استناد شواهدی که در این مقاله نشان داده می‌شود، نتوانسته بودند این معضلات را به درستی شناسایی کنند. این نوشتار با روش‌شناسی مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی و در چارچوب نظری تلفیقی از آموزه‌های نظریه رانتیریسم و پاترمونیالیسم کوشیده است تا نشان دهد چگونه برنامه‌های توسعه در ایران ناکام می‌مانند. مقاله نشان می‌دهد شیوه حکمرانی متأثر از درآمدهای نفتی در اقتصاد سیاسی و مناسبات پدرسالار در فرهنگ سیاسی، درمجموع موجب می‌شد کنشگران توسعه ایران بدون فهم مسائل اساسی جامعه و الزام خود به پاسخ‌گویی، نتوانند از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* shariati@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-5254-4849>

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
<https://orcid.org/0000-0003-1378-9314>

بهود حکمرانی، در کشور استفاده کنند. مقاله در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین علت‌های ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران طی دو دهه پایانی سلطنت محمد رضا پهلوی ناظر بر چه مشکلاتی بوده است؟ با روش تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد، برمنای تجربه زیسته جمعی از کارگزاران توسعه کشور و با گزینش، کدگذاری و طبقه‌بندی گویه‌های انتقادی کارگزاران اقتصادی در پروژه تاریخ شفاهی هاروارد، این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که به‌نظر می‌رسد عدم موفقیت پیش‌برد پروژه توسعه ایران در زمان محمد رضا پهلوی، در بی‌توجهی به مبارزه با مفاسد اداری، بی‌انضباطی اداری، مداخله مستمر در امور دولت، ضعف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و در عین حال تضعیف مداوم نهادها، نخبگان سیاسی و نیروهای اجتماعی ریشه داشته است.

واژه‌های کلیدی: ایران، حکمرانی، فرهنگ سیاسی، راندیریسم، پاتریمونیالیسم.

مقدمه

یکی از چالش‌هایی که به‌ویژه در نیم قرن اخیر همواره دولت‌های مستقر در ایران با آن مواجه بوده‌اند چگونگی اتخاذ و اجرای راهبردهای پیشرفت و توسعه کشور از سوی کارگزاران توسعه است. در این چارچوب شناخت جامع مفهوم پیشرفت تا حدودی ملتزم با فهم آموزه‌های حاصل از نظریات حکمرانی خوب است و فهم این مهم می‌تواند به اتخاذ راهبردهای صحیح پیش‌برد امور در یک کشور منجر باشد. پروژه تاریخ شفاهی ایران به ابتکار حبیب لاجوردی، در دانشگاه هاروارد انجام گرفت و در بیست مجلد تاکنون در دسترس عموم قرار گرفته است. این مقاله با بررسی تجربه زیسته برخی از کارگزاران توسعه و مشاوران اقتصادی دوره محمد رضا شاه پهلوی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۴۰، می‌کوشد در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین علت‌های ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران طی دو دهه پایانی سلطنت محمد رضا پهلوی ناظر بر چه مشکلاتی بوده است؟ این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که به‌نظر می‌رسد عدم موفقیت پیش‌برد پروژه توسعه ایران در زمان محمد رضا پهلوی، در

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... شهروز شریعتی و همکار

بی توجهی به مبارزه با مفاسد اداری، بی‌انضباطی اداری، مداخله مستمر در امور دولت، ضعف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و در عین حال تضعیف مدام نهادها، نخبگان سیاسی و نیروهای اجتماعی ریشه داشته است.

انتخاب مقطع زمانی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ به علت تمرکز محمد رضا شاه در این سال‌ها بر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه به منظور اصلاحات ساختاری کشور است. نوآوری این مقاله کاربست روش تحلیل محتوای کیفی گویه‌ها مبتنی بر «تجربه زیسته» است که در اکثر مقالات حوزه جامعه‌شناسی تاریخی به واسطه فقدان دسترسی مناسب به روایت‌نگاری‌های کنشگران چندان مورد توجه قرار نداشته است. جدول ذیل مشخصات و مهم‌ترین مشاغل این کارگزاران را نشان می‌دهد:

جدول ۱: مشخصات و مهم‌ترین مشاغل کارگزاران اقتصادی منتخب از پروژه تاریخ شفاهی

هاروارد

کارگزار		مهم‌ترین مناصب اجرایی
۱	جعفر شریف امامی	وزیر راه، وزیر صنایع معدن (۱۳۳۶-۱۳۳۹)، نخست‌وزیر ایران (۱۳۳۹-۱۳۴۰) و شهریور تا آبان (۱۳۵۷)، رئیس مجلس سنا (۱۳۴۲-۱۳۵۷)، سرپرست بنیاد پهلوی
۲	علی امینی	نخست‌وزیر ایران (۱۳۴۰-۱۳۴۱)
۳	محمد باهری	معاون اسدالله علم در وزارت دربار و دبیر کل حزب رستاخیز
۴	هوشیگ نهادنی	وزیر مسکن (۱۳۴۳-۱۳۴۷)
۵	داریوش همایون	وزیر اطلاعات و جهانگردی (۱۳۵۶-۱۳۵۷) معاون حزب رستاخیز
۶	عبدالمجید مجیدی	وزیر کار و امور اجتماعی (۱۳۴۷-۱۳۴۸) رئیس سازمان برنامه (۱۳۵۲-۱۳۵۶)
۷	محمد یگانه	معاون وزیر اقتصاد (۱۳۴۳-۱۳۴۸) معاون وزیر مسکن و آبادانی (۱۳۴۸-۱۳۴۹) رئیس بانک مرکزی (۱۳۵۲-۱۳۵۴) وزیر اقتصاد و دارایی (۱۳۵۶-۱۳۵۷)

۸	محمدمهدی سمیعی	رئیس بانک مرکزی (۱۳۴۲-۱۳۴۸) رئیس سازمان برنامه و بودجه
۹	غلامرضا مقدم	معاون بانک مرکزی (۱۳۴۲-۱۳۳۹)، قائم مقام و معاون سازمان برنامه (۱۳۵۲-۱۳۴۸)
۱۰	بهمن آبادیان	رئیس اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی (۱۳۴۳) معاون سازمان برنامه (۱۳۴۸)
۱۱	احمد مهدی	مشاور شاه در امور نفتی در دهه ۱۹۵۰ میلادی
۱۲	فلیکس آقایان	فعال تجاری و نماینده در مجالس ۲۱، ۲۰، ۱۹ و ۶ از تهران
۱۳	مصطفی الموتی	معاون اجرایی نخست وزیر در کابینه اقبال
۱۴	حسرو اقبال	مشاور حقوقی شرکت ملی نفت
۱۵	ابوالقاسم خردجو	مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی (۱۳۵۷-۱۳۳۹)
۱۶	اکبر لاجوردیان	سرمایه‌دار و مدیر عامل کارخانه‌های مخمل کاشان و پلی اکریل
۱۷	قاسم لاجوردی	مدیر عامل گروه صنعتی بهشهر، معاون رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

مبناً انتخاب این افراد صرفاً مشارکت آنان در پروژه تاریخ شفاهی هاروارد بوده

است که پس از شناسایی و بررسی مصاحبه این افراد در ابتدا ۴۲ کد اولیه استخراج شد. کدهای هر مصاحبه با یکدیگر و سایر مصاحبه‌های قبلی مقایسه شدند تا تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها مشخص شود و سپس کدها براساس شباهت‌هایی که با هم داشتند در یک طبقه قرار گرفتند. زیرطبقات به دست آمده چندین بار بازبینی و با هم مقایسه شدند و در پایان این مرحله، کدهای اولیه در ۶ طبقه و ۲۶ زیرطبقه قرار گرفتند و هر یک از این ۲۶ طبقه از بین چندین تجربه زیسته با یک یا دو تجربه منتخب از سوی نگارنده‌گان تناظر داده شد. بدیهی است بخشی از اظهارات این کارگزاران اقتصادی، بنابر ماهیت تاریخ‌نگاری شفاهی ممکن است نادرست یا شبیه به ادعا و حتی دروغ باشد، اما

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... شهروز شریعتی و همکار

تکرار مداوم برخی اظهارات و گزاره‌ها در متن این تاریخ شفاهی از سوی این افراد که با انگیزه‌های متفاوت گفته شده بود، موجب افزایش اطمینان بیشتر به تصویرسازی نهایی شد. هرچند با وجود امانتداری در نقل قول‌ها و عدم مصاحبه در این تاریخ شفاهی با بسیاری دیگر از کارگزاران اقتصادی، امکان بروز خطای سوگیری، متفاوت نیست.

ادبیات نظری

این مقاله در چارچوب تحلیل محتوای جهت‌دار خود تلفیقی از آموزه‌های دو نظریه «رانتیریسم» و «پاتریمونیالیسم» را به عنوان مبنای نظری خود برگزید.

پیشینه نظری و ویژگی نظام‌های پاتریمونیالیستی

نظریه پاتریمونیالیسم می‌تواند بیانگر مقوله‌ای تحلیلی، نمونه‌ای آرمانی یا یک نظریه باشد و از سوی دیگر به ساختارهای کلان نظیر جامعه، دولت و اقتصاد یا ساختارهایی نظیر خانواده یا شخص ارجاع داده شود (شرابی، ۱۳۸۵، ص. ۲۶). ماکس وبر با اشاره به مفهوم سرسپردگی اشخاص به فرمانروا در این نظام‌های سیاسی تصریح می‌کند: «زمانی از پاتریمونیال سخن می‌گوییم که حکمران قدرت سیاسی خود را بر فراپاتریمونیال و بر رعایای سیاسی، بدون اعمال قهرفیزیکی همانند قدرت خانگی خود سازمان دهد» (وبر، ۱۳۷۹، ص. ۲۵۰). «جف گودوین»^۱ و «تدا اسکاچپول»^۲ درباره نظام‌های پاتریمونیال معتقدند: «نظام‌های پاتریمونیال، نظام‌هایی هستند که قدرت سیاسی در دستان فرماندهان دیکتاتوری مرکز است که این فرماندهان اجازه استقرار هیچ گروه باثبات [غیر خودی] را که دارای حقوق و امتیازات ویژه باشند، در فضای سیاسی خود نمی‌دهند» (Goodwin & Skocpol, 1994, p.383) فرهنگ جامعه‌شناسی

آکسفورد نیز این نظام را گونه‌ای از سلطه سیاسی می‌داند که قدرت به صورت شخصی و بورکراتیک اعمال می‌شود و تحت کنترل مستقیم حاکم قرار دارد (Marshal, 1994, p.383). «برایان ترنر»^۳ ویژگی‌های نظام‌های پاتریمونیال را ایجاد ارتض شخصی و وابسته؛ ارتقای نورچشمی‌ها برای تصدی مقامات عالیه؛ فقدان طبقه منسجم از اشراف صاحب زمین و فقدان نظام حقوقی مستقل بر می‌شمارد (ترنر، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۱). «جیمز بیل»^۴ و «روبرت اسپرینگبرگ»^۵ نیز در بررسی‌های خود نشان می‌دهند که شخصی بودن سیاست؛ تقدم خویشاوندسالاری و تقرب به شخص حاکم بر شایسته‌سالاری؛ غیررسمی بودن مجازی قدرت؛ ستیر متوازن و جلوگیری از تکوین کانون‌های مستقل قدرت؛ تصدی محارم در عالی‌ترین مقامات نظامی و کاربست توجیهات کلامی برای اثبات مشروعیت از مهم‌ترین وجوده مشترک نظام‌های پاتریمونیال است. (Bill & Springborg, 1994, pp.136-175)

ساموئل هانتینگتون هم درباره این گونه از اعمال قدرت تصريح می‌کند: «شاه ایران از نمونه‌های الگوی رژیم‌های سلطانی و بر هستند که حامی پروری، خویشاوندیاری، رفیق‌بازی و فساد مشخصه‌های آن به شمار می‌روند (هانتینگتون، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۵).

«خوان لینز»^۶ و هوشنگ شهابی هم در اثری مشترک، مباحثی نظیر مداخله مستمر و مستقیم فرمانروا و هم‌دستانش در ساختارهای دولت، «کیش شخصیت» و ایجاد هاله‌ای از ویژگی‌های کاریزماتیک و «ریاکاری قانونی» را از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام‌های سلطانی بر می‌شمارند (لینز و شهابی، ۱۳۸۰، صص. ۵۳-۲۸).

پیشینهٔ نظری و ویژگی نظام‌های رانیر

نظریهٔ نظام‌های تحصیل‌دار نشان می‌دهد که نخبگان حاکم چگونه با بهره‌گیری از درآمدهای بادآورده و از طریق تزریق پول به جامعه در شرایط ضروری می‌توانند بسیاری از مخالفان را قانع و بحران‌ها را مرتفع کنند. حسین مهدوی با بهره‌گیری از این

استدلال آن را برای توضیح فقدان نیروی «فشار از پایین» برای ایجاد تغییرات دموکراتیک مورداستفاده قرار می‌دهد (Mahdavy, 1970). «لام و وانچیکون»^۷ نیز در تحقیقات تجربی خود نشان داده‌اند که چگونه منابع زیرزمینی می‌تواند موجب تثبیت رژیم‌های دیکتاتو شود (Lam & Wantchekon, 1999). «ولیام آشر»^۸ و «داگلاس یاتس»^۹ نیز با بهره‌گیری از نظریه دولت رانتیر استدلال کرده‌اند که مقامات حکومتی به‌واسطه درآمدهای سرشار حاصل از فروش مواد زیرزمینی می‌توانند سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی را بدون درنظر گرفتن منافع جامعه درپیش گیرند (Ascher & Yates, 1996). در این چارچوب «میک مور»^{۱۰} نشان می‌دهد که اتکا به درآمدهای حاصل از رانت به‌واسطه آنکه موجب اقتدارگرایی حکومت می‌شود درنتیجه می‌تواند زمینه مناسبی را نیز برای گسترش منازعات سیاسی به‌ویژه در قالب سورش، کودتا و اعتصاب فراهم کند (Moore, 2001) «کولیر و هوفلر» (Collier & Hoeffer, 1998, 2002) با استفاده از مفهوم «مکانیسم تاراج»^{۱۱} و «جوها اووینن»^{۱۲} (Auvinen, 1997) نیز با استفاده از مفهوم «بحran مکانیسم توزیع»^{۱۳} بر این باورند که ضعف توانمندی توزیعی دولت‌های رانتیر برای توزیع مناسب کالاهای و خدمات احتمال منازعات داخلی را افزایش می‌دهد. به باور نظریه‌پردازان دولت رانتیر، مقامات دولتی می‌توانند بخش قابل توجهی از درآمدهای حاصل از رانت را به‌واسطه فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی و ضعف قانون و همچنین بی‌انضباطی‌های رایج اداری، پولی و مالی به‌نفع خود یا جریان‌های سیاسی موردنظر به کار گیرند (حاجی‌بوسفی، ۱۳۷۸، صص. ۴۰-۳۹). «مایکل چاتلوس»^{۱۴} هم با بهره‌گیری از مفهوم «اقتصاد چرخه‌ای»^{۱۵} در برابر «اقتصاد تولیدی»^{۱۶} تصریح می‌کند در دولت‌های رانتیر دستیابی به چرخه رانت به مرتب مهم‌تر از مؤثر بودن در عرصه تولید است (Chatlus, 1990, pp. 104-127). برخی دیگر از نظریه‌پردازان دولت رانتیر نیز در راستای مطالعات خود به نحوه توزیع نابرابر درآمدهای حاصل از رانت در دولت‌های رانتیر اشاره کرده‌اند (Wantchekon, 2002, pp.12-13).

از مجموع آنچه در بخش نظری گفته شد بهنظر می‌رسد عوارضی نظیر مفاسد اقتصادی و سیاسی، مداخله مستمر سلطنت در امور دولت، عدم انضباط اقتصادی، بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور، ضعف ساختارهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و سرانجام تضعیف آزادی عمل نهادها و نیروهای سیاسی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی در نظام‌های مبتنی بر راتیریسم و پاترمونیالیسم باشد. این مقاله درادامه، شواهد مؤید این چارچوب نظری را در تجربه زیسته کارگزاران توسعه ایران طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ نشان خواهد داد.

روش تحلیل

این مطالعه مبتنی بر «تحلیل محتوای جهت‌دار»^{۱۷} است که براساس مطالعه مفاهیم آشکار و پنهان در دیدگاه کارگزاران عصر پهلوی که با مجموعه تاریخ شفاهی هاروارد مصاحبه کردند، کدبندی، خلاصه‌سازی و طبقه شده‌اند. در فرایند تحلیل داده‌های این مقاله نیز از مدل پیشنهادی «گرانهیم و لاندمان» (Graneheim & Lundman, 2004, pp. 105-112) که برای تحلیل مصاحبه‌های مبتنی بر تجربه زیسته مرسوم است، استفاده شد. طبق این روش، پس از چند بار بازخوانی مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج می‌شود و سپس کدها براساس شباهت‌ها در طبقات و زیرطبقه‌ها دسته‌بندی می‌شوند تا محتوای نهفته در آن‌ها مشخص شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، هفده مصاحبه با افرادی که به نوعی از کارگزاران یا مشاوران عالی اقتصادی در رژیم پهلوی بودند و با پژوهه تاریخ شفاهی هاروارد همکاری کردند. استفاده شده است. گفتنی است با توجه به محدودیت حجم مقاله، از ارائه تعداد قابل توجهی از گویه‌ها به ناگزیر خودداری شده است،

مضامین شیوه‌های حکمرانی توسعه در تاریخ شفاهی هاروارد

مروری بر روند حکمرانی ایران عصر پهلوی آن هم مبتنی بر تجربه زیسته مدیران ارشد و کارگزاران و مشاوران عالی اقتصادی این نظام سیاسی واجد نکات قابل تأملی است. مقاله در ادامه بر مبنای روش و چارچوب نظری خود، مهم‌ترین زیرطبقه‌های نظام حکمرانی در عصر پهلوی را مطابق با تاریخ شفاهی هاروارد به صورت ذیل صورت‌بندی کرده است:

مفاسد اقتصادی و سیاسی

تعدادی از گویه‌های منتخب کارگزاران اقتصادی توسعه در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت مفاسد سیاسی و اقتصادی متأثر از آموزه‌های نظریه رانتیریسم و پاتریمونیالیسم از سوی نگارندگان به شرح ذیل احصا شده است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«با اینکه تعداد بھایی‌ها در ایران خیلی کم بود، اما وضع بھایی‌ها خوب شد و شاه به این‌ها لطف پیدا کرد و این‌ها شاه را به عنوان خدا معرفی می‌کردند، خیلی‌ها مصلحتی رفتند بھایی شدند که پست‌های خوبی بگیرند. حتی در یکی از گزارش‌های من روی کاغذ نوشتم و گزارش کردم به شاه که سازمان برنامه دستورات این فرقه را مقدم بر اوامر ملوکانه می‌داند ...» (آقایان، ۱۹۸۶، ص. ۸).	تملق و چاپلوسی در مناسبات اداری
«بعد از سال ۱۳۴۰ به بعد جنبه دیکتاتوری در کارها خیلی قوی‌تر شد و قوی‌تر شد و قوی‌تر شد ... تمام وزرا و تمام اجراءکنندگان بیشتر چشمنشان به دهان مقامات بالاتر شان بود تا مقامات پایین‌ترشان و هم‌سطح خودشان» (لاجوردیان، ۱۹۸۲، ق. ۱، ص. ۸). «اعلیحضرت به هیچ وجه دوست نمی‌داشت که کسی وقتی که ایشان	

<p>دستوری می‌دهد اطاعت نکند و اگر کسی دستور ایشان را اطاعت نمی‌کرد دیگر به او شغلی نمی‌داد. این قانون بازی سیاسی ایران بود» (نهادنی، ۱۹۸۵، ق. ۴، ص. ۲۲).</p> <p>« مشاوران نزدیک شاه که نخستوزیر و دبیر کل هم از آن‌ها بودند در صحبت‌هایشان به شاه احتیاط‌های بیش از اندازه‌ای داشتند و سعی می‌کردند که آنجه می‌گویند به ترتیبی عمل بکنند که درواقع خود شاه گفته باشد آن حرف را ...» (همایون، ۱۹۸۲، ق. ۳، ص. ۱۱).</p>	<p>پارتی‌بازی</p>
<p>«(شاه) اصول اداری ایران را همه را به هم زده بود. ... همه فکر می‌کردند که صبح بلند شوند بروند یک پارتی درست کنند که با یک نزدیک شاه نزدیک باشد و بروند برای خودشان یک کاری به این‌ها کار بدهند ...» (اقبال، ۱۹۸۵، ق. ۵، صص. ۷-۶).</p>	<p>حامی‌پروری</p>
<p>«... منزل امیرهوشنگ، تمام وزرا، وکلا، مدیرکل، همه آنجا جمع بودند، همه همه جمع بودند و مرکز حل و عقد تمام کارهای مملکت بود کارهای مملکت بود! سه میلیون می‌گرفتند سفیر می‌کردند، دو میلیون تومن می‌گرفتند فلان کار می‌کردند، همه کارها آنجا می‌شد!» (اقبال، ۱۹۸۵، ق. ۵، صص. ۹-۱۱).</p>	<p>فساد در قراردادهای دولتی</p>
<p>«اعلیحضرت فرمودند، منظور از فساد چیست؟ گفتم منظور من قربان از فساد این است که یک عده‌ای که نزدیک دولت هستند نزدیک مقامات دولتی هستند نزدیک دربار هستند نزدیک اطراف خانواده سلطنتی هستند این‌ها یک بهره‌گیری‌هایی در کار و فعالیت می‌کنند که منطقی نیست ... و این است که مردم عصبانی می‌شوند» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق. ۲، ص. ۱۵).</p>	<p>فساد در قراردادهای دولتی</p>
<p>«موقعی که در وزارت بازرگانی بودم در بعضی موارد {اطرافیان شاه} چه جور فشار می‌آوردند و همینطور در بانک مرکزی که بودم تا اندازه‌ای این جریانات سوء را می‌دیدم» (مقدم، ۱۹۸۳، ق. ۳، ص. ۲).</p> <p>«..... شاه به من گفته بود که شاه مشرق زمین باید ثروتی داشته باشد برای</p>	<p>سوءاستفاده‌های مالی شاه و اطرافیان</p>

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... شهرور شریعتی و همکار

<p>اینکه مردم که گرفتارند متولّ به شاه می‌شوند و کمک از شاه می‌خواهند و دست من خالی باشد، نمی‌توانم کمک کنم و یک قسمت از سلطنت لنگ است! این توجیهی بود که می‌کرد برای اینکه یک اندوخته‌ای درست کند» (مهبد، ۱۹۸۵، ق. ۹، ص. ۱۴).</p> <p>«هر شرکت مهمی که در ایران تأسیس می‌شد اگر شاه در آن شرکت سهام نبود خیلی پیشرفت آن شرکت به اشکال برمی‌خورد، می‌بایستی شاه در آن باشد و البته شاه تنها کافی نبود. می‌بایستی اطرافیان شاه هم بعضی‌ها صاحب سهام باشند. خود من موقعی که دو شرکت کشتیرانی را تشکیل دادم، ۱۵ درصد از هر دو شرکت را به شاه دادم» (مهبد، ۱۹۸۵، ق. ۹، ص. ۱۳).</p>	
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

مداخله مستمر سلطنت در امور دولت

بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام سیاسی پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت مداخله مستمر سلطنت در امور دولت، که برگرفته از آموزه‌های نظریات رانتیریسم و پاتریمونیالیسم است، به شرح ذیل احصا شد:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«شاه دستورات خودش را چه از طریق شورای اقتصاد و چه مستقیم به وزرا می‌داد ... و به این ترتیب رل سازمان برنامه هم در اینجا یک رلی بود که اصطکاک داشت نسبت به دستوراتی که از طرف دربار به این دستگاه‌ها می‌رفت ...» (یگانه، ۱۹۸۵، ق. ۱۳، ص. ۲).	مداخله مداوم شاه در نظام برنامه و بودجه
«شاه برنامه‌های عمرانی کشور را خودش تصویب می‌کرد، ولی بعداً آن را تغییر می‌داد یعنی به هزینه و طرح‌ها اضافه می‌کرد. پشت سر هم دستور می‌داد و این دستورات غالباً متناقض بودند ...» (مقدم، ۱۹۸۳، ق. ۴، ص. ۸).	

<p>«... تمام وزرا و تمام اجرائندگان بیشتر چشمشان به دهان مقامات بالاترشان بود تا مقامات پایین‌ترشان و هم‌سطح خودشان» (لاجوردیان، ۱۹۸۲، ق. ۱، ص. ۸).</p>	
<p>«تخم مرغ گران می‌شد تلفن می‌کردند آقای لاجوردی بیاید اینجا. می‌رفتم دفتر می‌دیدم پنج شش تا وزیر نشسته‌اند که تخم مرغ را گران فروختند ... اینجور بی‌حساب و بی‌مأخذ جمع می‌شدند و تصمیم می‌گرفتند. چرا؟ شب یک کسی در شام به شاه گفته بوده که تخم مرغ گران شده ...» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق. ۳، ص. ۲).</p>	<p>مدخله در قیمت‌گذاری کالاها</p>
<p>«... تابلو می‌زدند به مغازه‌ها که اینجا گرانفروشی است تعطیل شده و یک عدد ای را تعقیب می‌کردند ... تورم تورم می‌آورد ... نتیجه‌اش هم که دیدیم هیچ اثری نکرد این قیمت‌گذاری‌ها در ارزان فروختن کالاها» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق. ۳، ص. ۲).</p>	
<p>«پیشنهادهایی می‌دادیم به هیئت عالی برنامه، اغلب البته این پیشنهادها رد می‌شد برای اینکه هیئت عالی برنامه هم خودش تصمیم نهایی را نمی‌توانست بگیرد و اغلب این‌ها به شورای اقتصاد ارجاع می‌شد و در آنجا بود که خود اعلیحضرت مستقیماً تصمیم می‌گرفتند ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، صص. ۱۱-۱۰).</p>	<p>بی‌توجهی و بی‌اعتمادی به مشاوران و برنامه‌ریزان</p>
<p>«اما که عضو دفتر سیاسی بودیم مقداری از مسائل مملکت غافل و بی‌اطلاع مانده بودیم شاید مقداری از مسائل را خود نخست‌وزیرها هم اطلاع نداشتند» (الموتی، ۱۹۸۳، ق. ۲، ص. ۲۶).</p>	
<p>«(شاه) بلند شد و گفت: «این مهملات و تئوری‌ها و این حرف‌ها را قبول ندارم و شما اقتصاددان نمی‌دانید چه دارید می‌گویید ... شما بهتر است این حرف‌ها را بگذارید کنار و به کارهای اساسی تر برسید، بلند شد، رفت و</p>	<p>عدم اعتقاد به نظريات دانشگاهی</p>

جلسه ختم شد» (مقدم، ۱۹۸۳، ق، ۴، ص. ۷).	
«... شما از وزرایی که الان هم که گذشته سال‌های سال ازشان بپرسید ببینید هیچ اطلاعی از قانون اساسی دارند. همینطور از راه می‌رسیدند یک مرتبه می‌شدند وزیر...» (شریف امامی، ۱۹۸۲، ق، ۴، ص. ۱۵).	انتساب‌های غیرکارشناسی

عدم انضباط اقتصادی

بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت عدم انضباط اقتصادی در برنامه‌های حکمرانی و توسعه کشور مطابق با چارچوب نظری پژوهش، به شرح ذیل صورتی شده است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«مقامات دولتی گرچه قسمت اعظم پول‌هایشان را از سازمان برنامه می‌گرفتند، ولی مسئولیتی نداشتند و حساب‌وکتاب صحیحی هم نداشتند ... سعی نشد در ایران «اینستیتوشن بیلدنینگ» (نهادسازی) بشود، یعنی بیانند و تشکیلات صحیح و منظم دستگاه‌های مختلف بگذارند و به تدریج این‌ها پاشیده شد» (آبادیان، ۱۹۸۵، صص. ۱۱-۱۲).	بی‌انضباطی پولی و مالی
«... کافی بود که شما یک نقشهٔ صد میلیونی ببرید آنجا بگویند آقا این صد میلیون را بگیرید ... آن بانک توسعهٔ صنعتی که آقای خردجو خوب اونجا نشسته بودند می‌گفتند آقا برنامه صدهزار تومان و دویست‌هزار تومانی یعنی چه! یک ده میلیون بیارید!!!» (امینی، ۱۹۸۱، ق، ص. ۶).	
«احساساتی همیشه نسبت به سازمان برنامه وجود داشت و در تمام مدتی هم که من بودم این وجود داشت که سازمان برنامه، همه کموئیست هستند و هرچه که اعلیحضرت می‌گویند قبول نمی‌کنند ...» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق، ۵، ص. ۲۵).	فقدان مسئولیت و نظارت‌پذیری
«... همه می‌خواستند بیشتر از آنچه که سازمان برنامه منابع به آن‌ها	

<p>اختصاص می‌داد، اختصاص داده بشد و همه طرح‌هایی که پیشنهاد دادند مورد تصویب قرار بگیرد و حداقل نظارت هم در کارهایشان نشود و درنتیجه دیسیپلین کار هم ازین می‌رفت) (یگانه، ۱۹۸۵، ق. ۱۳، ص. ۲).</p> <p>«مسائل را خیلی «سترالایز»^{۱۸} (متمرکز) کرده بودند ... تمام کنترل ازدست رفته بود با توجه به اینکه این مؤسسات مختلف دولتی هم گفتم به هیچ وجه مسئولیتی از خود نشان نمی‌دادند و مستقیم به خود شاه گزارش می‌دادند ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص. ۱۶).</p> <p>«طرح‌های ارتش در چیزهای مختلف رخنه کرده بود ... حتی کشاورزی ... این بود که بسیاری از این‌ها و حتی شرکت‌های مختلف، بنگاه‌های مختلفی که مستقیم عمل می‌کردند بدون اینکه مسئول باشند به سازمان برنامه اغلب خود تقریباً به اعلیحضرت گزارش می‌دادند» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص. ۱۱).</p> <p>«من خیلی زیاد مقاومت کردم روی موضوع خرج‌هایی که روی ارتش می‌کردند به هر حال یک مقداری از این‌ها می‌آمد و من به هیچ وجه حاضر نبودم که این‌ها را امضا بکنم یا اینکه بفرستم برای هیئت سازمان برنامه ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص. ۱۰).</p> <p>«گرفتاری اساسی با شاه دو چیز بود: یکی اینکه اولویت‌هایش غلط بود که تأکید زیاد روی هزینه‌های نظامی و طرح‌های نمایشی و بیهوده و غیرتولیدی می‌گذاشت ... این باعث می‌شد که وضع مالی مملکت همیشه خراب بود» (مقدم، ۱۹۸۳، ق. ۴، ص. ۹).</p> <p>«مدت نسبتاً کوتاهی پس از روی کار آمدن دکتر امینی اصطکاک بین ایشان و شاه به وجود آمد و قسمت عمده آن مربوط به بودجه هزینه‌های نظامی بود که امینی می‌خواست آن را محدود کند و شاه می‌خواست توسعه بدهد ...» (مقدم، ۱۹۸۳، ق. ۲، ص. ۱۲).</p>	<p>هزینه‌های بالای نظامی</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------

بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور

زیرطبقه و متњبی از تجربه زیسته کارگزاران و مشاوران اقتصادی دوره پهلوی درباره بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور به ویژه مطابق با آموزه‌های نظری چاتلوس به شرح ذیل است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«اگر از من راجع به کارهای عمرانی و سرمایه‌گذاری کشور بپرسید ... این است که نیازهای مردم از خود مردم سؤال نمی‌شود، یک چند نفر که اغلب هم تحصیلاتشان را در خارج کردند و از کشور خودشان اطلاعات زیادی ندارند می‌آیند و تصمیمات را می‌گیرند» (خردجو، ۱۹۸۴، ق. ۲، ص. ۱۴).	بی‌توجهی به نیازهای واقعی مردم در روند برنامه‌ریزی
«...سیاست‌های غلطی اتخاذ شد و بدتر از آن این سیاست‌ها خیلی بد اجرا شد ... شاه توی این مایه‌ها اصلاً نبود و فکر نمی‌کرد به پرکردن چاله و چوله‌هایی که وسط راه پیش می‌آمد!» (همایون، ۱۹۸۲، ق. ۷، ص. ۱). اگر سؤال بشود که سیاست صنعتی ایران ... قبول می‌کنم که یک مضرای برای کشور داشت و آن این بود که تمام کارهایی که صنایع کوچک و کارهایی که مردم در تمام اطراف کشور در ده تا شهرهای کوچک می‌توانستند بکنند مقداری جلویش را گرفت، برای اینکه مقدار زیادی از منابع رفته بود به صنایع بزرگ یا نسبتاً بزرگ و این‌ها مخارج آن صنایع کوچک را زیاد کرده بودند» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق. ۲، ص. ۱۷).	
«... آقای ابتهاج فکر می‌کرد که تمام کارهای عمرانی و اجرایی را با مشورت خارجی‌ها می‌شود انجام داد. درصورتی که اشخاصی که تجربه بیشتری دارند با مشاورین بین‌المللی می‌دانند که این‌ها همیشه آدم‌های اولاً درست نیستند، ثانیاً خیلی اوقات نظرهای خاصی دارند و بعد هم از همه مهم‌تر این است که اطلاعاتی که دارند قابل انتقال نیست از یک کشور به کشور دیگر، این است که خیلی از اشتباهاتی که در همان سال‌های اول شد» (خردجو،	تأکید بر استفاده از مشاوران خارجی

۱۹۸۴، ق. ۲، ص. ۱۴).

«شاه طرح‌هایی با مدرن‌ترین تکنولوژی‌ها به ایران آورد و لو اینکه اجرای این طرح‌ها هنوز برای ایران سختی‌هایی داشت و گرفتاری‌هایی به وجود می‌آورد ... مدت‌ها طول کشید که ایشان متوجه شدند کشت و صنعت با آن ترتیبی که در آمریکا وجود دارد به مصلحت ایران نیست» (یگانه، ۱۹۸۵، ق. ۱۲، ص. ۱۲).

واردات تجهیزات
غیرکاربردی

ضعف ساختارهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی

لزوم تدوین یک برنامه اقتصادی برای مدیریت کشور از دوره رضا شاه زمینه‌ساز تأسیس سازمان برنامه در دوره محمد رضا شاه شد. (فرمانفرما مایان، ۱۳۹۴، ص. ۱)، اما وجود مشکلات ساختاری همانطور که کولیر و هوفلر (Collier & Hoeffler, 1998, 2002) به آن اشاره کرده‌اند در قدرت موجب بی‌اثر شدن فعالیت‌ها برای رفع این مشکلات می‌شد. مشاوران و کارگاران اقتصادی در دوره موربدیث برخی از مهم‌ترین تجارب خود را به روایت تاریخ شفاهی هاروارد، چنین بیان کرده‌اند:

زیرطبقه	تجربیات زیسته
فقدان نظام مطالعات و برنامه‌ریزی کارآمد	«وقتی که من وارد این دستگاه شدم در وزارت‌تخانه‌ای به وزارت اقتصاد بود، اما دستگاهی برای مطالعه وجود نداشت کسی طرح تهیه نمی‌کرد. اولین کار هم این بود که من بتوانم یک گروهی را جمع کنم و به وسیله آن گروه بتوانیم این مطالعات را انجام بدھیم» (یگانه، ۱۹۸۵، ق. ۶-۷).
عدم برنامه برای دوران پس از محمد رضا شاه	«... چون رژیم بسته به وجود ایشان بود معلوم بود که با رفتن ایشان از صحنه این رژیم تغییر پیدا خواهد کرد به این ترتیب نمی‌تواند ادامه بدهد. منتهی مسئله این بود که چه موقع این تغییرات اتفاق خواهد افتاد و چطور این تغییرات به وجود خواهد آمد ... تغییر رژیم و یا تغییراتی

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... شهروز شریعتی و همکار

در این رژیم و تطبیق آن با حقایق روز در فکر عده زیادی بود که پشت پرده یا پشت درهای بسته شد» (یگانه، ۱۹۸۵، ق. ۱۳، ص. ۶).	
«تصمیمات درکوتاهترین مدت گرفته می‌شد، ولی اجرایش بیشترین زمان لازم می‌داشت و گاهی هم اصلاً اجرا نمی‌شد. درحالی‌که در کشورهای معقول‌تر زمان بیشتر صرف گرفتن تصمیم می‌شود ... خب ما عکسش عمل می‌کردیم» (همایون، ۱۹۸۲، ق. ۳، ص. ۱۰).	سیاست‌زدگی در نظام برنامه‌ریزی کشور
«می‌آمدند به دولت فشار می‌آورند و هزار تقاضا می‌کردند ... اما معلوم نیست که آن وقت که این پول را گرفتند مثلاً فوریت اولویت اول را داشته باشد ... ولی فشار می‌آورند و می‌گرفتند» (شرفی‌امامی، ۱۹۸۲، ق. ۴، ص. ۱۸).	
«یک صفارایی بود بین دولت و بیشتر اعلیٰ حضرت از یک طرف و کسانی که در کار برنامه‌ریزی بودند آن طرف» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق. ۱۱، ص. ۱۱). «ما در سازمان برنامه ... هماهنگی و تعادل و توازنی که می‌بایست بین سکتورها و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد را به آن توجه می‌کردیم ... که آن را این عاملین طرح‌ها و برنامه‌ها نمی‌دیدند و به‌نظرشان می‌آمد که ما داریم جلوی کار آنها را می‌گیریم ...» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق. ۷، ص. ۴).	فقدان راهبرد توسعه کشور

تضعیف آزادی عمل نهادها و نیروهای سیاسی

بررسی تجربه زیستی کارگزاران توسعه در روایت تاریخ شفاهی هاروارد بیانگر این نکته بود که آزادی‌های سیاسی و نهادی به عنوان پیشرانهای توسعه کشور در سایه اقتدارگرایی و یک جانبه‌گرایی ساختار سیاسی بر مبنای آنچه به ویژه درباره مختصات نظام‌های پاتریمونیال گفته شد، رنگ باخته بود. بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت تضییف آزادی عمل نخبگان، نهادها و نیروهای سیاسی، به شرح ذیل احصا شده است:

زیر طبقه	تجربیات زیسته
عدم تحمل متقدان سیاسی	«... حزب «مردم» را نتوانستند تحمل کنند، تنها کسی که ممکن بود یک کارهای بود، عامری بود که به محض اینکه یک خردۀ استقلال از خودش نشان داد دکش کرد. حتی {علی نقی} کنی را شاه تحمل نمی‌کرد. در همین یادداشت‌های من هست، کنی که دیگر نوکر خودشان بوده دیگر ...» (سمیعی، ۱۹۸۵، ق. ۲، ص. ۱۲).
مدخله در قوه مقننه و مجلس قانون‌گذاری	«شاه معتقد بود که هرکسی به این سه اصل (رزیم شاهنشاهی، قانون اساسی و اصول انقلاب) اعتقاد دارد عضو اینجاست ... اگر هم بخواهد از مملکت برود بیرون، برود بیرون» (باهری، ۱۹۸۲، ق. ۲۴، ص. ۶).
مدخله در امور دولت و قوه مجریه	«دیگر کسی نبود. اگر کسی بود، خوب، ممکن بود باز با این ارتش و با این قدرتی که داشتیم، کارها را دادند به یک افرادی که قدرت و ضابطه کافی برای اداره کردن نداشتند. مجلس کم کم اختیاراتش گرفته شد. بعد هم سنا بعد هم دولت. بالأخره کار به جایی رسید که آب خوردن هم با اجازه شاه بود» (آقایان، ۱۹۸۶، ص. ۸). «ما وقتی حضور اعلیٰ حضرت رفیم راجع به بختیار با ما صحبت کردند، یعنی در هر حال نظر ایشان این بود که بختیار را بیاورید» (الموتی، ۱۹۸۳، ق. ۳، ص. ۲۶).

<p>من دیگر چیزی نگفتم!» (شریف امامی، ۱۹۸۲، ق. ۸، ص. ۸).</p> <p>«شاه وزرا را غالباً احضار می‌کرد و برخلاف قانون اساسی به آن‌ها دستور می‌داد ... بنابراین به این نتیجه رسیده بودم که تا زمانی که رژیم شاه در ایران برقرار است من هیچ‌گاه نباید پست وزارت را قبول کنم» (مقدم، ۱۹۸۳، ق. ۲، صص. ۱۴-۱۵).</p> <p>«با این روحیه‌ای که محمدرضا شاه داشت و خوب سلطه هم بود و ما هم به هرحال دستهٔ مخالف رژیم که نبودیم. ما آمده بودیم که با همهٔ علیها بسازیم و از سازندگی مملکت دفاع کنیم. ... وقتی می‌دیدیم نمی‌شود ول می‌کردیم دیگر ... دیدیم کار بی‌حاصلی است ول کردیم ... بنده دیگر رفتم دانشگاه. تمام وقت را دیگر صرف دانشگاه کردم» (باهری، ۱۹۸۲، ق. ۳، ص. ۱۲).</p>	
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

نتیجه

این نوشتار با استفاده از آموزه‌های نظریه «راتئیریسم» و نظریه «پاتریمونیالیسم» و با تحلیل محتوای تجربهٔ زیستهٔ کارگزاران توسعهٔ اقتصادی عصر پهلوی طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ که در پروژهٔ تاریخ شفاهی هاروارد گردآوری شده است، نشان داد چگونه فساد سیاسی و اقتصادی، مداخلهٔ مستمر نهاد سلطنت در امور دولت، عدم انضباط اقتصادی، بی‌توجهی به توان و مسائل داخلی کشور، ضعف ساختارهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و سرانجام تضعیف آزادی عمل نخبگان، نهادها و نیروهای سیاسی بر روند توسعهٔ و حکمرانی ایران اثرگذار بوده است. نکتهٔ قابل توجه در بررسی این تجربهٔ زیسته، ناظر بر این نکته بود که با وجود آنکه اکثر مصاحبه‌شوندگان مقامات ارشد در سیاستگذاری توسعهٔ کشور محسوب می‌شدند، اما تقریباً هیچ‌کدام آنان مسئولیتی جدی را متوجه خود نمی‌دانستند و مسائل و مشکلات کشور را به ردهٔ بالاتر

از خود و بهویژه شخص شاه ارجاع می‌دادند که این موضوع نیز می‌تواند از منظر ابعاد عمومی حکمرانی در ایران مدرن حائز توجه باشد. مطابق یافته‌های این پژوهش، شیوه حکمرانی و سیاستگذاری توسعه اقتصادی در ایران طی سال‌های موردبررسی به نحوی بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از امور در ایران منوط به اراده تعدادی محدود از نخبگان سیاسی و وابستگان به آن‌ها شده بود و همه امتیازات اقتصادی و مزیت‌های افراد به نحوی از روابط با آنان سرچشمه می‌گرفت. در چنین محیطی افراد برای فرار از قدرت ناگزیر باید به قدرت پناه می‌برند و برای بهره‌گیری از رانت در چرخش، ناگزیر از ریاکاری، دورویی و تملق می‌شوند. در همین حال در این شیوه حکمرانی، حکمرانان با توزیع درآمدهای بادآورده حاصل از رانت از سویی به ظاهر لیاقت و مدیریت خود را به نمایش می‌گذاشتند و از سوی دیگر اکثر آنان خود را منجی و رهایی‌بخش توده مردم از فقر و رنج معرفی می‌کردند. سرانجام همانگونه که این مقاله نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناکارآمدی برنامه‌های توسعه اقتصادی، تحت تأثیر فعالیت‌های افراد در رده‌های بالای دولت و دربار، بالاخص شخص شاه بود که به ناکارآمدی حکمرانی منجر شد که نتیجه این ناکارآمدی، شکست برنامه‌های نوسازی و توسعه بود. این روند سرانجام به تعمیق مشکلات اقتصادی کشور از جمله بی‌عدالتی، تورم و فساد سازمان یافته منجر شد و درنهایت به همراه دیگر عوامل موجب کاهش مشروعتی سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی و وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Jeff Goodwin
۲. Teda Skocpol
۳. Bryan Turner
۴. James Bill
۵. Robert Springborg
۶. Juan Jose Linz
۷. Lam & Wantchekon
۸. William Ascher
۹. Douglas Yates

- ۱۰. Mick Moore
- ۱۱. Looting Mechanism
- ۱۲. Juha Auvinen
- ۱۳. distributive conflicts
- ۱۴. michael chatlus
- ۱۵. circulation economy
- ۱۶. production economy
- ۱۷. directed content analysis
- ۱۸. centralize

منابع

- ابتهاج، ا. (۱۹۸۱). مصاحبه با ابوالحسن ابتهاج. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۴.
- اقبال، خ. (۱۹۸۵). مصاحبه با خسرو اقبال. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۲.
- امینی، ع. (۱۹۸۱). مصاحبه با علی امینی. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۱.
- آبادیان، ب. (۱۹۸۵). مصاحبه با بهمن آبادیان. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۱.
- آقایان، ف. (۱۹۸۶). مصاحبه با فلیکس آقایان. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۱.
- باهری، م. (۱۹۸۲). مصاحبه با محمد باهری. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۶.
- ترنر، ب. (۱۳۷۹). *ماکس وبر و اسلام*. ترجمه س. وصالی. تهران: نشر مرکز.
- حاجی‌یوسفی، ا.م. (۱۳۷۸). *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خردجو، ا. (۱۹۸۴). مصاحبه با قاسم خردجو. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۷.
- سمیعی، م.م. (۱۹۸۵). مصاحبه با محمد مهدی سمیعی. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۱۱.
- شرابی، ه. (۱۳۸۵). *پدرسالاری جدید*. ترجمه ا. موثقی. تهران: کویر.
- شریف امامی، ج. (۱۹۸۲). مصاحبه با جعفر شریف امامی. *تاریخ شفاهی ایران* دانشگاه هاروارد. ج ۱۲.
- شهابی، ه. و لینز، خ. (۱۳۸۰). *نظم‌های سلطانی*. ترجمه م. صبوری. تهران: شیرازه.

فرمانفرما میان، خ. (۱۳۹۴). گفت‌وگوی منتشرشده با خداداد فرمانفرما میان. *تارنمای تاریخ ایرانی*. قابل دسترسی به صورت بروخت <http://tarikhiranir/fa/news/5286>

لاجوردی، ق. (۱۹۸۳). مصاحبه با قاسم لاجوردی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۴.

لاجوردیان، ا. (۱۹۸۲). مصاحبه با اکبر لاجوردیان. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۴.

مجیدی، ع. (۱۹۸۵). مصاحبه با عبدالمحیم مجیدی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*.

ج ۱۶.

مقدم، غ.ر. (۱۹۸۳). مصاحبه با غلامرضا مقدم. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۷.

الموتی، م. (۱۹۸۳). مصاحبه با مصطفی الموتی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲.

مهبد، ا. (۱۹۸۵). مصاحبه با احمد مهبد. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۷.

نهاوندی، ه. (۱۹۸۵). مصاحبه با هوشنگ نهاوندی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*.

ج ۱۹.

ویر، م. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه ع. منوچهری و همکاران. تهران: مولی.

هانتینگتون، س. (۱۳۷۳). *موج سوم دموکراسی*. ترجمه ا. شهرساز. تهران: روزنہ.

همایون، د. (۱۹۸۲). مصاحبه با داریوش همایون. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲۰.

هیوود، پ. (۱۳۸۱). *فساد سیاسی*. ترجمه م. طاهری و م.ق. بنی‌هاشم. تهران: انتشارات

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یگانه، م. (۱۹۸۵). مصاحبه با محمد یگانه. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲۰.

Ascher, W. (1999). *Why Government Waste Resources*. Baltimore: John Hopkins University Press.

Auvinen, J. (1997). Political conflict in less developed countries 1981-1989. *Journal of Peace Research*.

Beblawi, H. (1987). The Rentier State in the Arab World. in *Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, the Rentier State*. New York: Croom Helm.

Bill, J., & Springborg , R. (1994). Patterns of Patrimonialism in the Middle East. in Bill & Springborg. *Politics in the Middle East*. NY: HarperCollins.

- Chatlus, M. (1990). Policies for Developmental: Attitudes towards Industry and Services. in G. luciani (ed.). *The Arab State*. University of California Press.
- Collier, P., & Hoeffler, A. (1998). "on the economic causes of civil war". *Oxford Economic papers*, 50, 563-573.
- Graneheim, UH., & Lundman, B. (2004). Qualitative Content Analysis in NursingResearch: Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness. *Nurse Education Today*.
- Lam, R., & Wantchekon, L. (1999). Political Dutch Disease. working Paper, Yale University.
- Mahdavy, H. (1970). Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran. in *Studies in the Economic History of the Middle-East*. Ed. M.A. Cook. Oxford: Oxford University Press.
- Marshal, G. (1994). *The Concise Oxford Dictionary of Sociology*. Oxford University Press.
- Moore, M. (2001). Death without taxes: democracy, state capacity and aide dependence in the fourth world. in M. Robinson, & G. White (eds.). *The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design*. OxfordStudies in Democratisation, Oxford: Oxford University Press.
- Skocpol, T., & Goodwin, J. (1989). Explaining Revolutions in The Contemporary Third World. *Politics and Society*.
- Wantchekon, L. (2002). Why do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments?. *The Journal of African Development*, vol. 5.
- Yates, D. (1996). *The Rentier State in Africa*, Trenton. New Jersey: Africa World Press.

Historical Sociology of Bad Governance in Iran

Content Analysis of the Living Experience of Iranian Economic Managers in the Second Pahlavi Period According to Harvard Oral History

Shahrooz shariati *, adel faryabi

Received: 28/09/2020 Accepted: 25/05/2021

Abstract

A review of the history of Iran's development in the second Pahlavi period shows that the country's economy was suffering from endless turmoil and the country's senior decision makers could not even properly identify these problems. Using the theories of Rentierism and Patrimonialism, this article has tried to show how in the process of formation of the modern state in Iran, a special way of governing based on political, economic and administrative corruption was formed. The article shows that the use of oil revenues in political economy and patriarchal relations in political culture led to bad governance in Iran. The main question of this article is about the most important causes of inefficiency of governance in the Pahlavi era? The research method in this article was to analyze the content of the lived experience of the managers of the Pahlavi period in accordance with the oral history of Harvard. The article shows that ignoring the basic requirements of modern governance and the constant weakening of institutions, political elites and social forces led to the inability and collapse of the Iranian political system.

Keywords: Iran; Governance; Political culture; Rentierism; Patrimonialism.

Associate Professor of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

(Corresponding author) Email: shariati@modares.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-5254-4849>

M.A of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0003-1378-9314>